

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان پایان نامه

وصف طبیعت در معلقات سبع

استاد راهنما

دکتر علیرضا میرزا محمد

استاد مشاور

دکتر فیروز حریری

پژوهشگر

نسیبه رضایی تفتی

اردیبهشت ۱۳۹۰

به عنایت نظری کن که من دلشده را
نرود بی مدد لطف تو کاری از پیش

تقدیم به

دستان سقای آب و ادب

دستان ساقی ابوفاضل

عباس بن علی

سپاس و قدردانی:

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که اگر شناختِ حمد و ثنای خویش را از بندگانش، در برابر همهٔ نعمت‌های پیاپی که به ایشان داده است، دریغ می‌کرد، آن‌ها در نعمت‌هایش تصرف می‌کردند و سپاسگزاری نمی‌نمودند و از روزی‌اش به فراوانی بهره‌مند می‌گشتند و شکر او را به جای نمی‌آوردند. حمد و ستایش از آن خداوند است به سبب آن که خود را به ما شناساند و شیوهٔ شکر و سپاس را به ما الهام نمود و درهای علم ربوبیت خویش را به روی ما گشود و ما را به اخلاص در توحید و یگانگی‌اش راهنمایی کرد و از شک و تردید در امر خود، دور ساخت. او را چنان سپاسی می‌گوییم که با آن در میان بندگان شکرگزارش زندگی کنیم و به یاریِ آن، از همهٔ آنان که خواستار خشنودی و بخشایش اویند، پیشی گیریم. و حمد و ستایش از آن خداوندی است که در نیاز به غیر خود را به روی ما بسته است. پس چگونه او را سپاس گوئیم و یا چه زمانی می‌توانیم شکر او را به جای آوریم؟ نه! هیچ‌گاه نمی‌توانیم!

حمد و ستایش مخصوص خداوند است به اندازهٔ تمام سپاسی که مقربترین فرشتگانش و گرامی‌ترین مخلوقاتش و پسندیده‌ترین ستایش‌کنندگان او را ستوده‌اند. سپاسی برتر از هر سپاس دیگری، همچون برتری پروردگاران بر همهٔ آفریدگانش.

و اما، در اینجا وظیفه خود می‌دانم که مراتب سپاس و قدردانی خود را بجا آورم و از استاد راهنمای دلسوزم جناب آقای دکتر علیرضا میرزامحمد کمال تشکر را داشته باشم که با صبر و متانت تمام، علم و حلم، و ادب و تعهد وصف ناشدنی‌شان، در تمامی مراحل این پایان‌نامه مرا از راهنمایی‌های ارزشمندشان بهره‌مند ساختند و از آنجا که مولایمان حضرت علی (ع) فرمودند: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً»، در مقابل این همه ادب و علم سر تعظیم فرود می‌آورم و از خداوند مَنَّان می‌خواهم که اجر ایشان را در دنیا و آخرت محفوظ دارد. ای خداوند مٹیب! مردم چه در دست دارند که آدمی دل به پاداششان خوش کند؟!!

کار مردم را هم برای تو باید کرد. تویی که مالک همه چیزی و بهترین پاداش دهنده و سپاسگزار. اجر این عزیز نیز نزد تو محفوظ بماند.

از استاد مشاورم جناب آقای دکتر فیروز حریرچی که افتخار برعهده گرفتن مشاوره این پایان‌نامه را به من دادند نیز کمال تشکر را دارم.

از استاد محترم داور، جناب آقای دکتر فیض الله زاده که زحمت داوری این پایان‌نامه را متقبل شدند نیز سپاسگزارم.

از مدیر محترم گروه زبان و ادبیات عرب جناب آقای دکتر قیس آل قیس صمیمانه سپاسگزارم؛ پدر مهربانی که پدری را در حق تمام فرزندان در گروه زبان و ادبیات عرب تمام کرده است. ای خداوند مهربان! تویی که برای درگذشتن و پوشاندن، دنبال بهانه می‌گردی و برای بخشیدن و پاداش دادن نیز. پس این پایان‌نامه ناقابل را نیز بهانه‌ای قرار ده برای پاداش دادن به همه اساتید و عزیزانی که مرا در به ثمر رساندن آن همراهی کردند.

و در پایان بوسه می‌زنم بر دستان برترین مخلوقات خدا برای هر انسانی در روی زمین؛ بر دستان پدر و مادر عزیز و فداکارم و بال‌های خاکساری خود را در برابر این دو فرشته زمینی به زیر قدم‌هایشان می‌سایم چرا که فرمود: «واخفض لهما جناح الذل».

و برای برادر عزیزم آقای مهندس محمد جواد رضایی تفتی که همیشه در کنار من و همراه لحظه‌های سخت من بوده است نیز از خداوند متعال، توفیق روزافزون را خواستارم.

پروردگارا! از تو عذر می‌خواهم به خاطر نیکی و احسانی که به من شده و من سپاسگزاری نکرده‌ام و به خاطر حقوق مؤمن دارای حقی که آن را ادا نکرده‌ام.

چکیده

معلقات سبع یکی از درخشان‌ترین آثار شعری در عصر جاهلی و آینه تمام‌نمای آن عصر است که فرهنگ، آداب و رسوم، زندگی مردم و همچنین موقعیت جغرافیایی و اجتماعی و ادبی آن عصر را نشان می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران در زمینه‌های مختلف ادبی بر روی آن کار کرده‌اند؛ چرا که معلقات سبع شناسنامه عصر جاهلی است و درک درست این اشعار و بررسی آن‌ها از جوانب مختلف راهی برای شناخت عصر جاهلی است. وصف طبیعت نیز یکی از موضوعاتی است که شعرای جاهلی در ضمن دیگر اشعارشان، بسیار بدان پرداخته‌اند و به بهترین شکل از عناصر طبیعت در اشعار خود بهره گرفته‌اند. این رساله نیز بر آن است که به مثابه دیگر پژوهشگران به پژوهش و تحقیق در این اشعار پردازد و به سبب گسترده‌گی کار، فقط به موضوع وصف طبیعت (بی‌جان و جان‌دار) در معلقات سبع بسنده کرده است. به این منظور ابتدا به معرفی عصر جاهلی پرداختیم تا تصویری از وضعیت شعر و شاعری در این دوره پیش روی خواننده ترسیم گردد. سپس فصلی را به معرفی عناصر طبیعت در عصر جاهلی اختصاص دادیم و در فصلی جداگانه به بیان مصادیق وصف طبیعت در معلقات سبع پرداخته‌ایم که این فصل، قسمت اصلی این رساله را تشکیل می‌دهد و در فصل آخر نیز به مقایسه اصحاب معلقات سبع پرداخته شده است.

در این رساله، اشعار مرتبط با طبیعت از اشعار معلقات سبع زوزنی استخراج شده و براساس حجم آن‌ها طبقه‌بندی گردیده است. معانی ابیات نیز از شرح معلقات سبع ترجمانی زاده که دقیقاً ترجمه کتاب شرح معلقات سبع زوزنی است، گرفته شده است و توضیحات لازم نیز در فصول مختلف و در ادامه معانی اشعار ذکر گردیده است. روندی که این رساله طی کرده است، خواننده را متوجه این نکته می‌کند که شعرا در معلقات سبع از طبیعت بهره بسیاری برده‌اند تا جایی که گویی طبیعت ، جزء لاینفک معلقات است.

به امید آن که پژوهشگران دیگر به بررسی جوانب دیگر این اشعار پردازند تا معلقات سبع به طور کامل و در همه جوانب آن به ادیبان و دوستان شعر و ادب شناسانده بشود.

واژگان کلیدی:

عصر جاهلی، شعر جاهلی، معلقات سبع، اصحاب معلقات، وصف طبیعت، مصادیق وصف طبیعت،

مقایسه اصحاب معلقات

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	أ
فصل اول: عصر جاهلی.....	۱
۱-۱- معرفی عصر جاهلی.....	۲
۲-۱- جزیه العرب.....	۳
۳-۱- شعر جاهلی.....	۶
۴-۱- موضوعات شعر جاهلی.....	۱۰
۵-۱- وئی گئی های شعر جاهلی.....	۱۲
۶-۱- معلقات.....	۱۵
۷-۱- اصحاب معلقات.....	۱۸
۱-۷-۱- امرؤ التیمی.....	۱۸
۱-۱-۷-۱- معلقه امرؤ التیمی.....	۱۹
۲-۷-۱- طرفه بن عبد.....	۲۰
۱-۲-۷-۱- معلقه طرفه بن عبد.....	۲۱
۳-۷-۱- زه ی بن ابی سلمی.....	۲۲
۱-۳-۷-۱- معلقه زه ی بن ابی سلمی.....	۲۲
۴-۷-۱- لبی بن ربه.....	۲۳
۱-۴-۷-۱- معلقه لبی بن ربه.....	۲۳
۵-۷-۱- عمرو بن کلثوم.....	۲۴
۱-۵-۷-۱- معلقه عمرو بن کلثوم.....	۲۴

۲۵عنترة بن شداد.....۶-۷-۱
۲۵معلقة عنترة بن شداد.....۱-۶-۷-۱
۲۶حارث بن حلزة.....۷-۷-۱
۲۶معلقة حارث بن حلزة.....۱-۷-۷-۱
۲۸فصل دوم: عناصر طبیعت در شعر جاهلی.....
۲۹۱-۲- وصف.....
۳۲۲-۲- ویژگی‌های وصف جاهلی.....
۳۳۳-۲- وصف طبیعت.....
۳۴۴-۲- طبیعت بی‌جان.....
۳۵۱-۴-۲- اطلال.....
۳۸۲-۴-۲- صحرا.....
۳۹۳-۴-۲- ریگزارها.....
۴۰۴-۴-۲- سراب.....
۴۰۵-۴-۲- وادی.....
۴۱۶-۴-۲- دارة.....
۴۲۷-۴-۲- بركة.....
۴۳۸-۴-۲- ریاض.....
۴۳۹-۴-۲- آب‌ها.....
۴۵۱۰-۴-۲- باران.....

- ۴۹ ۱۱-۴-۲-رعد و برق
- ۵۰ ۱۲-۴-۲-ابر
- ۵۰ ۱۳-۴-۲-بادها
- ۵۲ ۱۴-۴-۲-شب
- ۵۳ ۱۵-۴-۲-صبح
- ۵۴ ۱۶-۴-۲-ستارگان
- ۵۶ ۱۷-۴-۲-گلخانه
- ۵۷ ۱-۱۷-۴-۲-انواع درختان و گلخانه
- ۵۹ ۵-۲-طبیعت جاندار
- ۶۰ ۱-۵-۲-شتر
- ۶۳ ۲-۵-۲-اسب
- ۶۴ ۳-۵-۲-حیوانات دیگر
- ۶۶ فصل سوم: مصادیق طبیعت در معلقات سبع
- ۶۷ ۱-۳-طبیعت بی جان
- ۶۷ ۱-۱-۳-اطلال، دکلر
- ۸۰ ۲-۱-۳-رمال، صحرا، تپه، کوه
- ۸۸ ۳-۱-۳-گلخه و درخت
- ۹۷ ۴-۱-۳-باران، رعد و برق، ابر
- ۱۰۳ ۵-۱-۳-آبها، دریای سراب

- ۱۰۹..... ۳-۱-۶- وادی، دارة، برقة، رلض
- ۱۱۳..... ۳-۱-۷- فصل بهار
- ۱۱۵..... ۳-۱-۸- هودج
- ۱۱۹..... ۳-۱-۹- آسمان، خورشید، ستارگان
- ۱۲۲..... ۳-۱-۱۰- شب و روز
- ۱۲۴..... ۳-۱-۱۱- باد و نسیم
- ۱۲۶..... ۳-۲-۲- طبیعت جاندار (حیوانات)
- ۱۲۷..... ۳-۲-۱- شتر
- ۱۴۹..... ۳-۲-۲- اسب
- ۱۵۸..... ۳-۲-۳- گاو
- ۱۶۰..... ۳-۲-۴- آهو
- ۱۶۳..... ۳-۲-۵- گرگ
- ۱۶۴..... ۳-۲-۶- گوسفند
- ۱۶۶..... ۳-۲-۷- شری
- ۱۶۷..... ۳-۲-۸- عقاب
- ۱۶۷..... ۳-۲-۹- سگ
- ۱۶۸..... ۳-۲-۱۰- مار
- ۱۷۰..... فصل چهارم: مقایسه اصحاب مملقات
- ۱۷۱..... ۴-۱- امرؤ القیس

١٧٧.....	٢-٤- طرفة بن عبد.....
١٧٩.....	٣-٤- زهري بن ابي سلمى.....
١٨١.....	٤-٤- لبي بن ربيعة.....
١٨٣.....	٥-٤- عمرو بن كلثوم.....
١٨٣.....	٦-٤- عنترة بن شداد.....
١٨٥.....	٧-٤- حارث بن حلزة.....
١٩١.....	المصادر العريضة.....
١٩٦.....	منابع فارسية.....
١٩٨.....	Abstract.....

پیشگفتار

معلقات سبع یکی از برجسته‌ترین آثار شعری در عصر جاهلی است که بررسی و تحلیل این اشعار قابل تأمل است، چرا که سند و شناسنامه معتبری از عصر جاهلی می‌باشد و در میان اشعار این دوران، جایگاه منحصر به فردی را به خود اختصاص داده است. عصر جاهلی و پرداختن به ادبیات در این عصر از این نظر حائز اهمیت است که این عصر، عصر رونق شعر و ادب بوده است و به همین دلیل است که معجزه پیامبر اکرم (ص) کتاب قرآن قرار گرفت، چه مردم این عصر با شعر و ادبیات آشنایی بسیاری داشتند.

از سوی دیگر، طبیعت از دیرباز مورد توجه شاعران بوده است. فطرت قوم عرب بر شعر سرشته شده است و به سبب محیط طبیعی پیرامونشان، وصف طبیعت در شعر جاهلی از جایگاه والایی برخوردار است. طبیعت در نگاه نزدیک انسان، جلوه‌گری بیشتری دارد، زیرا انسان حس خود را بارور کرده و ذهن خود را به اقصی نقاط می‌برد تا آنچه را که سزاوار است بیرون کشیده و بر مرکب شعر سوار نماید. بیابان نشینی به گونه‌ای در شاعر بدوی تأثیر گذاشته بود که بیشتر به طبیعت و مشاهده‌های مادی و حسی و آنچه در حواس می‌گنجد، می‌پرداخت. شاعر، تصاویر و تشابیه را به شکل مادی و حسی مطرح می‌کند و حتی عواطف درونی را با استفاده از تصاویر حسی تعبیر می‌نماید. از این رو، مطالعه و بررسی اشعار این شعرا برای ما اهمیت دارد تا نیک در یابیم که چگونه و تا چه حد شعرای معلقات از طبیعت بهره برده‌اند.

در پژوهش حاضر قصد آن داریم که به بررسی «وصف طبیعت در معلقات سبع» پردازیم تا خواننده این رساله، ضمن آشنایی بیشتر با معلقات، با موضوع مهمی همچون وصف طبیعت در عصر پیش از اسلام آشنا شود. قلمرو مکانی این پژوهش جزیره العرب، قلمرو زمانی آن، عصر جاهلی و قلمرو موضوعی آن بررسی وصف طبیعت در معلقات سبع می‌باشد. ویژگی متمایز و بارز این پایان‌نامه این است که به طور اخص به بررسی وصف طبیعت، شامل طبیعت صامت (بی‌جان) و طبیعت متحرک (جان‌دار) پرداخته است. سؤال‌هایی که در آغاز این پژوهش ذهن نگارنده را به خود مشغول ساخته، عبارتند از:

– در دوره جاهلی بیشتر به چه نوع وصفی پرداخته شده است؟

– آیا وصف در عصر جاهلی به عنوان یک موضوع مستقل بوده است؟

– آیا محیط جاهلی بر شعرای جاهلی تأثیر گذاشته است؟

روش انجام این پژوهش، توصیفی می‌باشد و برای رسیدن به اهدافی که بیان شد، روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) برای گردآوری اطلاعات در نظر گرفته شد و با بهره‌گیری از منابع و مآخذ مورد نیاز، فصل‌های زیر آماده گردید:

فصل اول: در این فصل به معرفی عصر جاهلی (عصر شعرای معلقات سبع) و اوضاع شعر در آن

عصر پرداخته‌ایم تا خواننده پیش زمینه‌ای از وضعیت ادبیات در آن دوران داشته باشد. در این فصل ویژگی‌های جغرافیایی جزیره العرب بیان شده است. سپس از شعر جاهلی و موضوعات و ویژگی‌های آن و خصوصاً معلقات سخن رفته است. در پایان نیز به زندگی‌نامه اجمالی اصحاب معلقات و نیز بحثی کوتاه درباره هر معلقه پرداخته شده است. ترتیب آوردن اسامی اصحاب معلقات سبع، براساس ترتیب شرح معلقات سبع زوزنی می‌باشد که ترتیب آن‌ها بدین صورت است: امرؤ القیس، طرفه بن عبد، زهیر بن ابی سلمی، لید بن ربیع، عمرو بن کلثوم، عنتره بن شداد، حارث بن حلزة. این ترتیب در تمام این رساله اجرا شده است تا نظم بیشتری به کار ببخشد.

فصل دوم: در این فصل با عنوان «عناصر طبیعت در شعر جاهلی» به بیان موضوعات طبیعت در عصر جاهلی و استفاده از آن‌ها در اشعار جاهلی پرداخته‌ایم. در این فصل به مفهوم وصف و ویژگی‌های وصف طبیعت در عصر جاهلی پرداخته شده است، چرا که وصف از مهم‌ترین اسالیب تعبیر در نزد شاعر جاهلی است. سپس وصف طبیعت اعم از جان‌دار و بی‌جان در عصر جاهلی مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا مصدر الهامات شعری در شعر جاهلی را انسان و طبیعت می‌دانند که شامل طبیعت صامت و متحرک می‌شود. در این فصل، عناصر طبیعت در عصر جاهلی به طور مجمل بیان شده است؛ عناصری که در شعر جاهلی بسیار به چشم می‌خورد و تأثیر مستقیمی در زندگیشان داشته است. در قسمت طبیعت بی‌جان؛ اطلال، صحرا، ریگزارها، سراب، وادی، دارة، برقة، ریاض، آب‌ها، باران، رعد و برق، بادها، شب، صبح، ستارگان، گیاهان و در قسمت طبیعت جان‌دار که در حقیقت همان حیوانات هستند، از شتر و اسب نام برده شده است. این فصل در حقیقت مقدمه‌ای برای فصل سوم می‌باشد.

فصل سوم: این فصل با عنوان «مصادیق طبیعت در معلقات سبع» اصلی‌ترین فصل این رساله است که

به بیان مصادیق وصف طبیعت در اشعار معلقات سبع پرداخته است. در این فصل مصادیق طبیعت در دو قسمت طبیعت بی‌جان و طبیعت جان‌دار طبقه‌بندی شده‌اند. لازم به ذکر است که در قسمت طبیعت جان‌دار که همان حیوانات هستند، به حیواناتی که حائز اهمیت بیشتری نزد عرب جاهلی بوده‌اند، اشاره

شده است. ترتیب ذکر عناصر طبیعت در این فصل براساس حجم آن‌هاست که از حجم زیاد به حجم کم در معلقات سبع می‌باشد. ترتیب ذکر اسامی شعرا نیز براساس ترتیب شرح معلقات سبع زوزنی است. معنی اشعار موجود در این فصل نیز از شرح معلقات سبع ترجمانی زاده گرفته شده است. بعد از ذکر ابیات مرتبط با آن موضوع و آوردن معانی، توضیحاتی نیز برای روشن شدن بیشتر معنی ابیات و تبیین آن موضوع خاص (مربوط به طبیعت) آورده شده است. در قسمت ترجمه ابیات، گاهی معنی کلمات مرتبط با موضوع طبیعت نیز ذکر شده است. در قسمت‌هایی نیز به نکات بلاغی مانند تشبیه و استعاره برای روشن شدن هر چه بیشتر معانی اشاره رفته است.

نحوه تحقیق در این بخش بدین صورت است که ابتدا ابیات موردنظر با موضوع طبیعت همراه با اعراب دقیق آن‌ها آورده شده و ذیل هر بیت، معانی واژه‌های مرتبط با طبیعت و ترجمه و شرح آن نگاشته شده است. برای جداسازی ابیات یک شاعر از شاعر دیگر از علامت لوزی استفاده شده است. لازم به توضیح است که ابیات براساس شرح معلقات سبع زوزنی آورده شده است و از آوردن ابیاتی که در دیگر نسخه‌ها وجود داشت، خودداری شده است.

فصل چهارم: در این فصل به مقایسه اصحاب معلقات سبع پرداخته شده است. بدین ترتیب که

شعرای معلقات سبع مورد بررسی قرار گرفته‌اند و میزان تأثیر پذیری اصحاب معلقات سبع از عناصر طبیعت در معلقاتشان ذکر شده است. در حقیقت این فصل نگاهی مجمل به معلقات سبع و ویژگی‌های فنی شعرای آن دارد.

در بخش پایانی رساله، خلاصه مطالب به زبان عربی و پس از آن نیز چکیده انگلیسی آورده شده است. کتابنامه رساله در دو بخش کتاب‌های فارسی و عربی آورده شده است.

در ضمن برای نوشتن این رساله از کتاب‌هایی چون «الطبیعة فی الشعر الجاهلی» نوری القیسی و همچنین «الطبیعتان الحیة و الصامتة فی الشعر الجاهلی» بهیج القنطار استفاده شده است.

امید است این رساله مورد توجه و استقبال کلیه دانشجویان و پژوهندگان رشته زبان و ادبیات عربی و فارسی و تمام علاقه‌مندان به پژوهش در این زمینه قرار گیرد و راه را برای آن‌ها هموار سازد.

و من الله التوفیق

نسیبه رضایی تفتی

اردیبهشت ۱۳۹۰

فصل اول: عصر جاهلی

فصل اول: عصر جاهلی

۱-۱- معرفی عصر جاهلی

آنچه از اصطلاح «عصر جاهلیت» نخست در ذهن می‌آید همه روزگاران پیش از اسلام است، یعنی همه دوره‌های تاریخی جزیره العرب قبل و بعد از میلاد مسیح، لیکن پژوهشگران ادب جاهلی زمانی بدین وسعت را در نظر ندارند؛ چرا که بیش از یک قرن و نیم قبل از بعثت پیغمبر اسلام نمی‌توانند عقب‌تر بروند و به همین مقدار بسنده می‌کنند. در این دوره است که لغت عربی تکامل یافت و نخستین بار خصایص فعلی را به خود گرفت و شعر جاهلی نیز مربوط به همین عصر است. (ضیف، ۱۳۶۴ش: ص ۴۶)

لفظ جاهلیت که بر این دوران اطلاق شده است از آن جهت نیست که مردم آن دوران، مردم جاهل و نادانی بوده‌اند؛ چرا که در این دوران ادبیات چه شعر و چه نثر در اوج فصاحت و بلاغت بوده است و به همین دلیل نیز معجزه پیامبر اسلام، قرآن بوده است. لفظ جاهلیت بر این دوران به خاطر عدم داشتن علم نزد عرب جاهلی نبوده است، بلکه به دلیل برخی رفتارهای متعصبانه و نیز عدم بینش الهی بوده است.

بد نیست بدانیم که کلمه «جاهلیت» که بر این عصر اطلاق شده، مشتق از «جهل» نقیض «علم» نیست بلکه از ریشه «جهل» به معنی خیره سری و پرخاشگری و شرارت است و در مقابل «اسلام» به معنی تسلیم و طاعت خدای عزوجل و رفتار و کردار بزرگوارانه (دینی) قرار می‌گیرد. کلمه جهل و جاهلیت در زبان قرآن و حدیث نبوی و شعر جاهلی نیز به همین معنای تعصب و بی‌پروایی و کم‌خردی است. عصر جاهلیت با همه جنبه‌های شرک آمیز و اخلاق مبتنی بر عصبیت و انتقام جویی و خونخواری و تبهکاری و سیاهکاری‌اش، به عصر نزدیک به اسلام یا به عبارت دقیق‌تر به دوره پیش از اسلام اطلاق گردیده است.

(همان: ص ۴۷)

در هزاره دوم پیش از میلاد مسیح، شمال و مرکز شبه جزیره عربستان ظاهراً توسط اقوامی بیابان‌نشین اشغال شده بود که بی‌گمان باید همان افرادی باشند که در اسناد آشوری قرن هشتم ق.م. بر آنان نام «عربی» اطلاق شده است. نشانه‌هایی در دست است که ثابت می‌کند زبان این صحرانشینان، شاخه‌ای از زبان‌های سامی بوده است. پس تا زمانی که از شکل حقیقی زبان صحرانشینان عربستان خاصه در دوران‌های نزدیک‌تر به دوران ما، اطلاع دقیقی نیافته‌ایم، خوب است آن را «زبان عربی» بنامیم و نیز خوب است که جماعتی را که به این زبان سخن می‌گویند «عرب» بخوانیم. (بلاشیر، ۱۳۶۳ش: ص ۳-۴)

این عرب‌های بادیه‌نشین در منطقه‌ای به نام جزیره العرب سکنی گزیدند که دارای ویژگی‌های آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی خاصی بود و این ویژگی‌ها در ادبیات مردم این سرزمین تأثیر بسزایی داشت.

۱-۲- جزیره العرب

جزیره العرب در دورترین نقطه جنوب غربی قاره آسیا قرار گرفته است و شبه جزیره مستطیل شکلی است که آب از سه طرف آن را احاطه کرده است: دریای سرخ از غرب، خلیج عدن و اقیانوس هند از جنوب و خلیج فارس از شرق. (عبدالرحمن، ۱۹۸۴م: ص ۵)

دلیل نام‌گذاری این جزیره به جزیره العرب این است که جزیره در اصل لغت به معنی آن چیزی است که بالاتر از آب باشد و از جزر که ضد مد می‌باشد، گرفته شده است. سپس از این لفظ گسترش یافته و اکنون بر هر خشکی که آب اطرافش را فرا گرفته باشد، اطلاق می‌شود. مدائنی می‌گوید که جزیره العرب شامل پنج منطقه است: تهامة و نجد و حجاز و عروض و یمن. (الآلوسی، بی تا: ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸)

سرزمین عربستان از سه بخش متمایز تشکیل شده است: رشته کوه‌های آتش فشانی که از شرق و جنوب آن را احاطه کرده است، زمین‌های ساحلی که در بین رشته کوه‌ها و دریا واقع شده است و در

نزدیک کوه‌ها محدودتر می‌شوند، و تپه‌های داخلی که شامل الربع الخالی^۱ و صحرای نفود^۲ و بیابان و بلندی‌های نجد می‌شود. بنابراین، محل زندگی اعراب در زمان جاهلی قسمتی از این سرزمین بوده که آب و هوایی متفاوت با دیگر مناطق داشته است. (عبدالرحمن، ۱۹۸۴م:ص ۵)

به سبب اختلافات جوی، می‌توان محیط طبیعی عرب‌ها را به سه قسمت تقسیم کرد:

۱ - مناطق استقرار طبیعی که آب و زراعت و هوای معتدل در آن وجود دارد بدین جهت دولت‌هایی در آنجا تشکیل یافتند مانند یمن و حیره.

۲ - مناطق صحرائی که گاهی در آن باران می‌بارد یا در آن چشمه‌ها و آب‌هایی وجود دارد که زراعت را به آسانی ممکن می‌سازد مانند آنچه در نجد و شهرهای حجاز و وادی‌های پراکنده در صحرا می‌یابیم.

۳ - مناطق صحرائی که آب در آن به اندازه‌ی نیاز برای زراعت وجود ندارد و گاهی زمین گیاهانی را برای چریدن شترها می‌رویاند و هنگامی که زمین خشک می‌شود، ساکنان آن برای جستجوی گیاه و آب کوچ می‌کنند. (همان: ص ۵)

تنها جزیره‌ی العرب مسکن اعراب نبوده، بلکه ایشان در اطراف آن نیز مسکن و مأوا داشتند و جزیره‌ی مزبور محل سکونت اغلب اعراب بوده و بدین سبب به نام آن‌ها موسوم گردیده است. جزیره‌ی العرب در جنوب غربی آسیا واقع شده، از شمال به بادیة الشام و از مشرق به خلیج فارس و بحر عمان و از جنوب به دریای هند و از غرب به بحر احمر محدود می‌باشد. (امین، ۱۳۳۷ش:ص ۱۳)

از دیدگاه احمد امین، محیط طبیعی اولین و کاری‌ترین عامل در خرد و اندیشه عرب جاهلی بوده و در فکر و اندیشه وی نیز تأثیر مستقیم داشته است.

۱ - منطقه‌ای بی‌آب و علف در جنوب عربستان. (آذرنوش، ۱۳۸۸ش: ذیل ربع)

۲ - منطقه‌ای در شمال نجد.

اثر محیط طبیعی در عرب این است که بلاد ایشان را پهنه‌ای بیابانی ساخت که آفتاب آن را می‌گدازد، آب در آن کم می‌آید و هوا به خشکی می‌گراید. اثر دیگر این محیط در جان‌های اعراب این بود که به ایشان این احساس را داد که در برابر سپهری سنگدل تنها مانده‌اند و باید به رویارویی با آن برخیزند. خورشید می‌تابد و سایه‌ای نیست و ماه و ستارگان می‌درخشند و پوشاننده‌ای در کار نه. آن یک مغز استخوان عرب را به جوش می‌آورد و این‌ها با پرتوهای سیمین و مهر گستر خود هوش از او می‌ربایند و جان او را در چنگ می‌گیرند. محیط طبیعی همچنین این اثر را در سرشت عرب گذاشته که او را سخت و افسرده به بار آورده است به گونه‌ای که وجد بر او چیرگی دارد. (علی، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۲)

مکان‌های زندگی عرب در عصر جاهلیتشان در قسمتی از زمین پهناوری بود که مناطق طبیعی پیرامونش با یکدیگر اختلافات بسیاری داشتند و این امر مکان‌های زندگی متفاوتی را سبب شده بود، هر چند گاهی مکان‌های یکسانی را می‌بینیم. پس در بین دریای هند در دورترین نقطه جنوب تا بعد از دمشق در دورترین نقطه شمال، و در بین دریای فارس و دو نهر دجله و فرات در شرق تا دریای سرخ و حتی تا رود نیل در غرب، این امت اصیل پراکنده شده بودند: در دره‌ها و تپه‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و سواحل دریاها، و طبیعتاً این محیط‌های طبیعی باعث به وجود آمدن آب و هواهای مختلف نیز می‌شد.

(الأسد، ۱۹۵۶م: ص ۱)

وجود این نوع آب و هوا و وجود محیط‌های طبیعی در جزیره العرب تأثیر مستقیمی در ادبیات دوره جاهلی داشته است. بادیه همیشه محل الهام شعرای جاهلی بوده است و شعر جاهلی شعر بدیهه و آشکار و واقعی است و صورتی راست و درست از آن محیط و اجتماع؛ شعری با لفظی کوتاه، منطقی ساده، خیالی سطحی، نغمه‌ای یکنواخت و گاهی خشن و محزون که برگرفته از محیط خشک و خشن پیرامونش بوده است.

۱-۳- شعر جاهلی

اشتباه است که همانند بسیاری از مردم تصور کنیم اوضاع ادبی در عصر جاهلی ساده و بسیط بوده است. این مسئله چندان سهل و آسان نبوده که سبب شود همچنان که نور از خورشید ساطع می‌شود و رایحه از گل، شعر شاعران تنها از فطرت و ذوق ایشان بجوشد. آنان در واقع سازندگان صنعتگر بودند که شعر خود را می‌ساختند و می‌پرداختند و در این راه زحمت بسیار متحمل می‌شدند. شاعران در شعر، خود را ملازم به رعایت قواعد بسیاری می‌کردند و مردم اطرافشان نیز مراقب آن‌ها بودند و آنان را تشویق می‌کردند تا از دیگران سبقت بگیرند و خوب شعر بسرایند؛ گویی ذوقی عمومی شاعران را به تجوید و تزیین فرا می‌خواند. (ضیف، ۱۳۸۴ش:ص ۲۹)

شعر جاهلی از مهم‌ترین منابع شناخت ما از زندگی عرب در عصر جاهلی است. شعر از نبوغ عرب حکایت می‌کند که در توانایی‌های لغوی و در فصاحتشان که دیگر ملت‌ها به آن افتخار می‌کنند، نمایان می‌شود. (عبدالحمید، بی‌تا:ص ۳۰)

شعر مانند هر نوع ادبی دیگری یک منبع تاریخی - حتی به شکل غیر مستقیم - به شمار می‌آید و ادبیات غالباً بیانگر وجدان ملت و افکار و اعتقادات اوست. شعر در زندگی قبل از اسلام و تا حدی بعد از ظهور اسلام، رنگ ادبی غالب بوده است و به همین دلیل بسیار سخت است که آن را به فراموشی بسپاریم؛ چرا که برخی مورخین مانند یک منبع تاریخی به شعر اعتماد دارند. (الشیخ، بی‌تا:ص ۵۳)

شعر جاهلی شناسنامه دقیقی است که دربرگیرنده تاریخ سیاسی و دینی و اجتماعی عرب در جاهلیت است و جایگاه آثار باستانی را در نزد مصریان و یونانی‌ها و سایر امت‌های قدیمی داراست، زیرا تصویر مفصلی از زندگی عرب جاهلی ارائه می‌دهد. در شعر، تاریخ صحرا و جنگ‌ها و حوادثی که در آن‌ها اتفاق افتاده بیان می‌شود. در این اشعار نشانه‌های جزیره العرب و اماکن و منازل و آب‌ها و کوه‌ها و

حیوانات و گیاهان و درختان و پرندگان آورده شده است، همان گونه که نام‌های زنان و مردان بزرگ و دیار معشوقه‌ها دیده می‌شود. همچنین عادات و تقالید عرب و جایگاهشان در جنگ و صلح و ابزار جنگی که از آن‌ها استفاده می‌کردند و دیگر پدیده‌های بادی (صحرا) در این اشعار به چشم می‌خورد. (الخفاجی، ۱۹۷۳م: ص ۳۵۵-۳۵۶)

پدیده‌های طبیعی، عقل را به سمت آزادی و طبیعت می‌برد و همانند ماده اولیه‌ای برای انشاء و ساختن و پرداختن است و خیال را قادر به ساختن تصاویری از طبیعت می‌کند. این قانون طبیعت در برابر ایجاد تصویر در ذهن از طرفی و سوق یافتن خیال به سمت پدیده‌های طبیعی از طرف دیگر، در مفهوم و معنی نیز تأثیر می‌گذارد تا جایی که می‌بینیم که قصیده جاهلی در بیشتر مواقع تراوش ذاتی از طبیعت بوده است. به همین دلیل در ورای بیشتر روش‌های تصویری که در شعر جاهلی می‌بینیم، فلسفه خاصی که مربوط به طبیعت می‌شود، پنهان است. خلاصه این که انسان بدوی از نظر جسمی و روحی، نتیجه مستقیم پدیده‌های طبیعی است و این فلسفه می‌گوید که طبیعت، مصدر عقل و سرچشمه جوشش آن است. (الیوسف، ۱۹۸۳م: ص ۳۰۳)

در اینجا زمین خشک می‌شود و ریگزارها گسترش می‌یابد و بلندی‌ها و تپه‌ها استوار بر جای می‌ماند، ولی طبیعت بر برخی از قسمت‌های زمین با بارندگی و سرسبزی، بخشش روا می‌دارد و به دنبال آن، زمین پر از گیاه می‌شود و هنگامی که انسان بادیه‌نشین بعد از تحمل سختی سفر می‌بیند که زمین بعد از خشکی و عریانی سرسبز می‌شود، شگفت زده می‌شود و احساسی به او دست می‌دهد که با دیدن سرسبزی‌های فراوان در منطقه‌ای خوش آب و هوا، چنین احساسی به او دست نمی‌داد. (الحوفی، ۱۹۶۲م: ص ۱۶۳)

زبان شاعران [در دوره جاهلی] همه خصوصیات شاخه‌های زبان‌های سامی را با پر بارترین شکلی پروراند است، هر چند که کهن‌ترین قالب‌ها را در همه بخش‌هایش حفظ نکرده است. هیچ یک از زبان‌های خویشاوند سامی از نظر نرمش و دقت در بیان روابط ترکیبی به پای آن نمی‌رسد. با همه

واقع‌گرایی از چنان شور و شراری برافروخته است که آن را قادر می‌سازد ظریف‌ترین احساس‌های عشقی و نیرومندترین احساس‌های غرور مردانگی را به بیان آورد، ولی غنای گنجواژه‌اش را که ادب‌شناسان قدیم با علاقه در ستایش آن غلو می‌کردند، هنوز نمی‌توان نشانه‌ای از پرورش روحی والا به شمار آورد. این زبان شاعران نخست از تمامی قلمرو زبان‌های حرفه‌ها و لهجه‌های قبیله‌های گوناگون سیراب می‌گردد. کوچندگان و نخجیرگران که در همه جا در سطح فرهنگی مشابهی با بدویان قرار دارند، به علت شیوه زندگی خود ناچارند ظریف‌ترین سایه روشن‌های جهان پیرامونشان و خصوصیات حیوان‌هایی را که اساس موجودیتشان وابسته به آنهاست با باریک بینی تمام بنگرند و با دقت تمام نام‌گذاری کنند... اما این امر را نمی‌توان نشانه شعوری گسترده دانست، بلکه از شعوری محدود حکایت می‌کند که هنوز نتوانسته به مرتبه‌ای رفیع دست بیابد و مفاهیم مجرد و کلی بسازد. (بروکلمان، ۱۳۷۹ش: ص ۸۱-۸۲)

شعر جاهلی، درون عرب را در دوره‌ای از دوره‌های تاریخ در حالی که از آستانه‌های تاریخ، بین گذشته فراموش شده و آینده امید داده شده‌اش عبور می‌کند، به تصویر می‌کشد. امت‌ها آشناترین مردم به ارزش‌ها هستند تا به تاریخ، و به همین دلیل شعر با ارزش سابق خود باقی مانده است. [شعر] اگر چه به صورت کامل همه چیز را به تصویر نمی‌کشد، ولی صفحه روشنی را در مقابل دیدگان ما قرار می‌دهد که می‌توانیم به حقایق زندگی و آنچه که بر عرب در این عصر گذشته است آگاه شویم. (البهیتی، ۱۹۶۷م: ص ۵۵)

شعر جاهلی همان گونه که ابن فارس می‌گوید، دیوان عرب است که به واسطه آن، انساب حفظ می‌شود و نشانه‌ها شناخته می‌شود، چنان که ابن سلام می‌گوید: [شعر جاهلی] دیوان علمشان و نهایت حکمتشان است، که به آن نقد می‌شوند و ارجاع داده می‌شوند. نیکلسون چنین می‌گوید: «[شعر] یک وصف نقدی برای زندگی و افکار جاهلی است». (الخفاجی، ۱۹۷۳م: ص ۳۵۶)